

راهکارهای مقابله با عوامل گسست خانواده از منظر روایات اهل بیت (ع)

علی آقا صفری*
مسعود مظفر اف**

چکیده

نهاد خانواده کوچک‌ترین نظام اجتماعی است که ثبات و استحکام آن مؤثر در ثبات جامعه و مصون ماندن آن از پیامدهای سوء ناشی از این عدم ثبات دارد. از هم گسیختگی نهاد خانواده که غالباً در قالب طلاق پدیدار می‌شود، تأثیرات نامطلوبی بر پیکره اجتماع دارد که جلوگیری از آن را با شناخت عوامل طلاق و راهکارهای پیشگیری از آن اجتناب ناپذیر می‌سازد. بالا رفتن میزان طلاق در عصر حاضر سبب شده است که مسئله طلاق در جوامع اسلامی مورد توجه ویژه قرار گیرد. در خیلی از موارد حتی گروهی آن را به‌عنوان نشانه‌ای برای از میان رفتن خانواده در مهر و موم‌های آینده تلقی کرده‌اند. غالباً گفته می‌شود که امروزه مردم با غم و تشویش کمتری در مقایسه با گذشته به ازدواج روی می‌آورند، چراکه طلاق برای آنان در حکم بیمه‌ای تلقی می‌شود و در صورتی که ازدواج ایجاد مشکل کرده و یا حالت موفقیت آمیز و خشنود کننده‌ای برای آن‌ها نداشت می‌توانند آن را رها کنند. ضرورت مسئله موجب شد که با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی راهکارهای مقابله با عوامل گسست خانواده از منظر احادیث معصومین (ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین و حیاتی‌ترین راهکارهای مقابله با عوامل گسست خانواده عبارت‌اند از: داشتن شرایط مساعد برای ازدواج، توجه به مسائل معنوی و دینی، دقت در انتخاب همسر، تشکیل محکمه داخلی خانوادگی، خوش‌رفتاری، گذشت، کنترل خشم، اظهار عشق و علاقه، حفظ حقوق همسر و صداقت. همچنین مشخص شد که در صورت شناخت و عمل به راهکارهای ارائه‌شده، جامعه اسلامی دیگر شاهد سیر صعودی آمار طلاق و اضمحلال و فروپاشی خانواده‌ها نخواهد بود.

واژگان کلیدی: اهل بیت (ع)، روایات، گسست خانواده، راهکار، مقابله.

* دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:
@gmail.com/۱۳۶۴a.a.safari (نویسنده مسئول)

** دانش پژوه کارشناسی ارشد، تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث.



مقدمه

با توجه به اهمیت و جایگاه ازدواج و نقش آن در رشد و تعالی زندگی اجتماعی و همچنین فلسفه وجودی شکل‌گیری طلاق که بر پایه مودت و رحمت بنا نهاده شده و موجب سکونت و آرامش و... می‌گردد، مشخص است که اگر طلاق و جدایی در زندگی مشترک زوجین اتفاق بیفتد تمام آثار و پیامدهای مثبت را تبدیل به منفی می‌کند و در واقع اثر معکوس برجای خواهد گذاشت؛ لذاست که در روایات طلاق به‌عنوان منفورترین حلال الهی معرفی شده «ما من شیء مما أحله الله عز و جل أبغض إليه من الطلاق» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۴)؛ و برای تحقق آن شرایط دشواری قرار داده شده است؛ تا آنجا که روایاتی از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) رسیده است که اگر ولایت امور مسلمین به دست ما باشد ما حتماً آن‌ها را با شمشیر وادار می‌کنیم که در طلاق همه شرایط صحت آن را رعایت کنند، از حضرت امام باقر (علیه‌السلام) رسیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۶۳)، که: «لا یصلح النَّاسُ فی الطَّلَاقِ إِلَّا بِالسَّیْفِ وَلَوْ وَلَّیْتَهُمْ لَرَدَدْتَهُمْ اِلَى کِتَابِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ» ((کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۶).

برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای مضمحل‌کننده‌ای که بر اثر طلاق دامن‌گیر خانواده‌ها می‌شود عبارت‌اند از: مبعوضیت الهی، رسوایی، پستی و فرومایگی، سرگردانی فرزندان، مشکلات ازدواج مجدد، دشواری در کنترل غریزه جنسی و عاطفی، تنهایی زوجین، مشکلات فرزندان طلاق و... که روایات به تفصیل موارد یاد شده را شرح و بسط داده‌اند.

از آنجاکه طلاق همیشه و در همه اعصار و امصار وجود داشته و همیشه گریبان‌گیر انسان‌ها بود است؛ از دیرباز مورد توجه و عنایت اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته و کتاب‌ها، مقالات و... در این باره بشمار تألیف شده است که معرفی آن‌ها تحقیق جداگانه‌ی را می‌طلبد؛ در کتب معتبر روایی نیز روایات بسیاری درباره چستی و ماهیت و پیامدها و آثار آن ذکر شده و عالمان دینی نیز به تبع به تفسیر و تبیین آن‌ها پرداخته‌اند.

لکن با عنایت به اینکه مسئله طلاق هنوز به عنوان یک مسئله چالشی جوامع اسلامی بوده و هنوز کم و کیف آن برای نسل جوان حل نشده است سعی می‌شود در این پژوهش با استفاده از کتابخانه‌ها و منابع مکتوب چون کتاب‌ها، رساله، مجلات و همچنین با استفاده از وسایل پیشرفته چون نرم‌افزارهای علوم اسلامی مثل جامع التفاسیر، مکتب الشامله و...؛ روایات مربوط به مسئله جمع‌آوری شود و در گام بعدی با بهره‌گیری از روایات احصا شده از معصومین (علیهم‌السلام) و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، راهکارهای ارائه شده جهت پیش‌گیری از طلاق مورد



تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ باشد تا زمینه جلو گیری و درمان طلاق با تمسک به روایات وحیانی فراهم گردد.

راهکارهای مقابله با عوامل گسست خانواده

از آنجا که طلاق آثار و تبعات سوء فراوانی برای فرد و جامعه داشته و بنیان خانواده را ویران و اساس جوامع اسلامی را تخریب می‌کند؛ روایات معصومین (ع) هشدارهای جدی نسبت به آن داده و برای مصون ماندن و پیش‌گیری از پیامدهای شوم آن راهکارهای را جهت مقابله با عوامل گسست خانواده ارائه نموده‌اند که در ذیل با مراجعه به منابع معتبر روایی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۱. توجه به مسائل معنوی و دینی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای روایی که می‌تواند نقش کلیدی در پیش‌گیری از طلاق داشته باشد توجه به مسائل معنوی و دینی است. با این بیان که آموزه‌های دینی توصیه‌های اخلاقی، اعتقادی و عبادی بسیار جدی درباره خانواده و اهمیت آن دارند که اگر زوجین به آن مباحث عنایت داشته باشند طبیعتاً تمام تلاش و کوشش خود را صرف استحکام خانواده و نگهداری آن می‌کنند و به‌سادگی تن به طلاق که منفورترین و مبغوض‌ترین حلال الهی شمرده شده است نمی‌دهند.

نگارنده سعی دارد در این قسمت از بحث جایگاه و نقش آموزه‌های عبادی و معنوی و اعتقادی در رابطه با خانواده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا مشخص گردد که شناخت و پایبندی به آموزه‌های دینی تا چه اندازه می‌تواند در جلوگیری از طلاق نقش داشته باشد.

۱-۱- اعتقاد به خداوند

توحید محوری و توحید گرایی چیستی، چرایی زندگی و تشکیل خانواده و چگونگی تعامل با همسر را تبیین و تشریح می‌کند. باور به توحید، به زندگی و چگونگی تعامل و اداره آن معنا و مفهوم می‌بخشد، بدیهی است شخصی که با تمسک به گزاره‌های وحیانی قرآن کریم که خدای متعال را ناظر (علق/۱۴؛ فجر/۱۴) و حتی از رگ گردن به خود نزدیک تر می‌بیند (ق/۱۶)، تمام سعی و تلاشش را خواهد نمود که حقوق خانواده را رعایت کند. توجه به صفات باری تعالی، از جمله صفت رحمت و مهربانی گسترده، توانایی نامحدود، حمایت از مخلوقات خود از جمله انسان و کفایت آن‌ها، نیز آثار مثبت فراوان بر حیات فرد و جنبه‌های خانوادگی او بر جای می‌گذارد. عطف و رحمت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر که شعبه‌ای از تجلی رحمت خداوند است،



(متقی هندی، ۱۴۰۹: ح ۵۶۶۷)، زمینه‌ی پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات است (سالاری فر، ۱۳۹۳: ۱۱۰). توکل بر خداوند، یعنی اعتماد و تکیه بر قدرت او در همه‌ی امور زندگی، از آثار ایمان به خداست. گاهی سستی اراده، ترس، غم، اضطراب و عدم اشراف کامل بر موقعیت‌ها موجب می‌شود فرد نتواند از روش‌های مقدور برای حل مشکل بهره‌برداری مناسب کند. توکل بر خدا باعث تقویت اراده و تأثیر کمتر عوامل مخل روانی شده و فرد را در کوشش برای حل مسائل زندگی و رسیدن به تعادل و سازگاری، تواناتر می‌سازد (دیماآتو، ۱۳۹۱: ۲/ ۷۵۷).

خانواده‌ها در طول زندگی، با مشکلات متعددی اقتصادی و بیماری روبه‌رو می‌شوند که با اتکال بر خدا می‌توانند از آنها عبور کنند. توکل بر خدا و اعتماد به او چنان مهم است که در بن‌بست‌ها و شرایطی که به‌ظاهر همه‌ی اسباب و نشانه‌های مادی از عدم حل مشکل حکایت می‌کنند، روزنه‌ی امیدی گشوده می‌شود و گاه مشکلات از راه‌هایی که گمان نمی‌شود، حل می‌گردد. پژوهش‌های تجربی نیز که درباره‌ی رابطه‌ی توکل و حرمت خود (شجاعی، ۱۳۸۷: ۹۸)، عزت‌نفس) انجام شده مؤید این مطلب است.

یکی از نشانه‌های توحیدمحوری و نهادینه‌سازی آن در زندگی به این است که شخص تسلیم و راضی به مقدرات او باشد و بپذیرد که همه‌ی حوادث و واقعه‌های که در نظام خلقت رخ می‌دهد منوط به اذن و اراده الهی است (کهف/۳۹؛ اسراء/۲۰) و خداوند نه تنها نسبت به مصالح انسان‌ها آگاه‌تر؛ بلکه خیرخواه‌تر و سعادت طلب‌تر از خود آن‌ها نسبت به خودشان است؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۰۰).

۲-۱- اعتقاد به معاد

معادباوری و مسئله حساب رسی اعمال در رزو قیامت می‌تواند نقش اساسی در زندگی و تربیت فرزندان و مسئولیت فردی و خانوادگی افراد داشته باشد. بی تردید اعتقاد به معاد تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد لکن در اینجا بیشتر بر جنبه‌های خانوادگی تأکید می‌شود. امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های علمی در عرصه‌های مختلف و کاهش مشکلات زندگی، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و از همه مهم‌تر خودکشی‌ها رو به فزونی است. بخشی از این مشکلات بر اثر احساس بی‌هدفی و پوچی و عدم اعتقاد و باور به مبدا و معاد در زندگی است (گوستاو یونگ، ۱۳۷۰: ۱۳، ۱۲، ۸۵ و ۱۷۴)، از این رو، در خانواده‌های برخوردار از این باور باوجود مشکلات شدید، از قبیل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و از همه مهم‌تر بیماری و معلولیت، افراد سال‌های طولانی از یکدیگر حمایت کرده و احساسی رضایت بخش از زندگی دارند.

شخص باورمند به معاد می‌داند که یکی از آثار بدخلقی در خانواده فشار روحی در عالم برزخ است، به‌گونه‌ای که رفتار و عملکرد مطلوب انسان در دیگر ابعاد زندگی نمی‌تواند بد رفتاری با خانواده را توجیه کند، لذاست که سعد بن معاذ باوجود اینکه فردی درستکار بود به‌طوری که بعد از وفاتش پیامبر گرامی (ص) او را غسل و کفن کرد، ولی فرمود او با خانواده‌اش بدخلقی کرده و ممکن است عذاب شود «إِنَّهٗ كَانَ فِي خَلْقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۶).

همچنین در کلمات اولیای دین (ع) به عواقب بد رفتاری با همسر اشاره شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُوذِي زَوْجَهَا وَتَعْمَهُ وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تَكْرُمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤَدِيهِ وَ تَطِيعُهُ فِي جَمِيعِ اَحْوَالِهِ» (همان: ۱۰۰/۲۵۳)، از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتش نماید؛ و سعادت مند است زنی که شوهر خود را اکرام کند.

هر یک از جلوه‌های عبادات آثار تربیتی و معنوی ویژه‌ای بر همسران و فرزندان دارد که به‌عنوان نمونه و در حد اجمال اشاره می‌گردد تا مشخص شود در صورت توجه و پایبندی به این اعمال چه آثار و برکات را در زندگی مشترک خانوادگی به همراه دارند.

۲. دقت در انتخاب همسر

یکی از راهکارهای روایی برای پیش‌گیری از طلاق انتخاب همسر مناسب و شایسته است؛ زیرا همین دقت‌های اولیه است که خوش‌بختی‌های زندگی آینده را رقم می‌زند. همیشه بزرگ‌ترین دغدغه دختران و پسران، پیدا کردن همسر دلخواه است. اگر در این مورد موفق شدند آینده خوشی دارند و اگر شکست خوردند، زندگی آینده‌شان با ناهمواری‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد، به‌طوری که یا باید با نزاع و کشمکش‌های همیشگی، دست و پنجه نرم کنند یا کارشان به طلاق، منجر شود. با توجه به اینکه ازدواج نقش کلیدی در سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی فرد داشته و بقا و استمرار نسل وابسته به آن است؛ روایات معصومین (علیهم السلام) نسبت به آن عنایت ویژه داشته و ملاک و معیار درست و منطقی برای انتخاب و حفظ حریم مقدس و استحکام آن بیان نموده‌اند که در صورت عمل بدان سفارش‌ها سعادت زندگی مشترک تأمین می‌گردد.

اهمیت دقت در انتخاب و گزینش همسر از این روایت نورانی که امام صادق (ع) در جواب سؤال ابراهیم کرخی که گفته بود همسر من که زن خوب و سازگاری بود، مرده و اکنون قصد دارم دوباره ازدواج کنم نظر شما چیست، به دست می‌آید. «نَظَرُ اَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَ مَنْ تَشْرِكُ فِي مَالِكَ وَ تُطَلِّعُهُ عَلَي دِينِكَ وَ سِرِّكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۲۳)؛ دقت کن جانت را (خودت را) در کجا می‌نهی، و چه کسی را در اندوخته‌ات (مالت) شریک می‌سازی، و بر دین و راز (اسرار) و امانتت آگاه می‌سازی.



در روایت دیگر می‌فرماید: «زن، همانند گردنبند است، دقت کن که چه گردنبندی را بر گردن [زندگی و حیات] خود می‌افکنی. برای زن - چه خوب چه بد - نمی‌توان قیمتی تعیین کرد؛ اما ارزش زن‌های نیک را با طلا و نقره، نمی‌توان سنجید، زیرا آنان از طلا و نقره، ارزشمندترند و اما زنان بد، ارزش خاک هم ندارند، زیرا خاک از آن‌ها بهتر است» (همان: ۳۳۲).

پیامبر اکرم (ص) درباره اهمیت دقت انتخاب و گزینش همسر می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ؛ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ

إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۲۹۵)، برای نطفه‌های خود جایگاه مناسبی اختیار کنید؛ زیرا زنان، شبیه برادران و خواهران خودشان فرزند به دنیا می‌آورند. این بیان نورانی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری نطفه را به عنوان یک اصل مسلم بیان می‌کند.

۳. ملاکات انتخاب همسر شایسته در روایات

۱-۳- ایمان و دین‌داری

مسئله ایمان و دین‌داری در انتخاب همسر هم در آیات و هم در روایات معتبر مورد تأکید بسیار قرار گرفته است با توجه به اینکه موضوع باید از منظر روایات مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد از ذکر آیات مربوطه صرف نظر کرده، به نقل روایات بسنده می‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۳۲)، هنگامی که مرد به خاطر جمال و مال زن با او ازدواج کند، به همان امر واگذار می‌شود، ولی اگر به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال را رزق و روزی او می‌گرداند. و نیز رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِحَمَالِهَا لَمْ يَرَفِ فِيهَا مَا يُحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۷/۳۹۹)، کسی که برای زیبایی زنی با آن ازدواج کند آنچه دوست دارد را نخواهد دید و کسی که برای مال زن با او ازدواج کند، خدا او را به همان مال می‌سپارد، بر شما باد به زنان و دختران متدین.

از روایات یاد شده به روشنی استفاده می‌شود که کسانی که به دنبال انتخاب و گزینش شریک زندگی و همسر شایسته هستند باید ایمان و دین‌داری را به عنوان یک اصل اساسی و محوری در نظر بگیرند و به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی نسبت به آن غفلت نورزند. پدر و مادر دختر و پسر نیز باید در انتخاب همسر برای فرزندان خود موضوع ایمان و دیانت و تقید به ضوابط و مقررات شریعت اسلام ناب را شرط اساسی و کلیدی بدانند و دریافتن چنین شخصی به فرزندان‌شان کمک و راهنمایی شایسته نمایند.

۲-۳- عقل و هوش

یکی دیگر از مهم ترین ملاکها و معیارهای انتخاب یک همسر شایسته برخورداری از نعمت عقل و هوش است. بی تردید اداره و مدیریت خانواده و فراهم سازی بستر آسایش و رفاه منوط و وابسته به آن است. بنابراین می توان اذعان نمود که درک موقعیت و شرایط اقتضائات اعم از مادی و معنوی به میزان عاقل بودن همسر است. اوست که با عقل خود تهدیدات را تبدیل به فرصت و معایب را تبدیل به محاسن می کند.

براساس یافته های بشری مشخص شده است که عقل و هوش والدین در فرزندان تأثیر قابل توجهی داشته و خوش فهمی و باهوشی و زیرکی فرزندان ثمره داشتن چنین پدر و مادر باهوش است. و بر عکس حماقت، کودنی و نادانی والدین موجب فلاکت و بدبختی فرزندان می گردد. از این رو متخصصین عرصه تربیت و روان شناسی اذعان نموده اند که همسر باهوش و عاقل بهتر و نیکوتر می تواند در امر مقدس تعلیم و تربیت فرزندان نقش ایفا کند. از این رو روایات گهربار و حیات بخش معصومین (ع) نسبت به این مسئله توجه خاص داشته و تأکید نمودند که باید عقل و هوش به عنوان یکی از مهم ترین معیارها و ملاک های مهم و بسیار بارز در هنگام گزینش همسر مورد توجه قرار بگیرد.

بدین جهت مولای متقیان امیر سخن علی (ع) فرموده است «إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِجَ الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۳۵۴)، از ازدواج با زن های احمق و نادان بپرهیزید، چون مصاحبیشان بلا و مصیبت است و فرزندانشان ضایع. بر این اساس است که رسول اکرم (ص) در وصف داشتن نعمت عقل به امیر بیان علی (ع) فرموده اند «يَا عَلِيُّ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۷۲)، هیچ تهیدستی، سخت تر از نادانی و هیچ مالی، سودمندتر از عقل نیست؛ و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۸)، خرد و عقل راهنمای مؤمن است. مجموع روایات ذکر شده و روایات مشابه حکایت از آن دارند که عقل و هوش از برجسته ترین معیارها و ملاک هایی است که باید در انتخاب همسر به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه از سوی دختر و پسر و والدین آنان قرار گیرد.

۳-۳- اخلاق نیک

اخلاق حسنه از دیگر معیارها و ملاک های است که در روایات معصومین (علیهم السلام) مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. به عنوان نمونه رسول خدا (ص) می فرماید: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْوُونَ خَلْقَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ إِلَّا تَفَعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ /





۳۴۷)، هرگاه کسی که اخلاق و دینش را می پسندید به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد، با او ازدواج کنید اگر به این دستور عمل نکنید در روی زمین فتنه و فساد بزرگی پدید خواهد آید. و نیز در روایات دیگر از امام حسن (ع) نقل شده است که شخصی خدمت حضرت شرفیاب شده و خبر ازدواج دخترش را به حضرت رساند امام به وی فرمود: «زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۰۴).

زن و شوهر اگر مشکلی خاصی پیش نیاد یک عمر در کنار هم بوده و با بهره گیری از ارتباط کلامی و غیر کلامی از فیض وجود یکدیگر بهره می گیرند. و در این ارتباط نا گسستگی اخلاق حسنه و خوش رفتاری و نیک گفتاری نقش محوری داشته و بدون آن زندگی بی روح و خسته کننده و بعضاً نا امید کننده خواهد بود. از این رو مشاهده می شود که زندگی با زن بد اخلاق و بد رفتار و تندخو، حاصل اش چیزی جز رنج و تعب نخواهد بود. بنابراین داشتن زندگی سالم و شاداب، صمیمی، بانشاط و باصفا، منوط و وابسته به داشتن همسری خوش اخلاق و عقیف و نیک گفتار است.

۴-۳- عفت و پاک دامنی

عفت و پاک دامنی به عنوان یک اصل جهان شمول و فرازمانی و فرامکانی از دیگر ملاک ها و معیارهای است که از روایات معصومین (ع) جهت انتخاب همسر و داشتن زندگی سالم خانواده گی مورد تأکید قرار گرفته است.

حضرت صادق (ع) در این باره می فرماید: «الْكُفُوُّ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۳۴۷)، کفو بودن در امر مقدس ازدواج به این است که عقیف و پاک دامن باشد و از امکانات اقتصادی (قدرت پرداخت نفقه) نیز برخوردار باشد.

طهارت و پاکی درونی و منش زنان چنان نقش بی بدیل در تعلیم و تربیت بهتر و برتر کودکان دارد که امام صادق (ع) می فرماید: «طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲ / ۵۶۴)، خوشا به سعادت کسی که مادرش عقیف و پاک دامن باشد. عمده دلیل تأکیدات فراوان روایات مبنی بر عفت و پاک دامنی مادران به خاطر آن است که در صورت متخلق بودن به این صفت شایسته، فرزندان طیب و طاهر تحویل جامه می دهند. بی تردید اگر والدین بد رفتار و ناپاک باشند و ملتزم به اجرای اوامر و نواهی الهی نباشند، در اخلاق و تربیت کودک اثر نامطلوبی برجای خواهد گذاشت و در این امر سهم دختران در پیروی و مشابَهت در رفتار به مادر از پسران بیشتر است چون اغلب دختران قدم جای قدم مادران می گذارند.

۴. تشکیل محکمه داخلی خانوادگی

یکی از راهکارهای روایی که جهت رفع کدورت‌ها، ناراحتی‌ها و یا جلوگیری از طلاق ارائه شده است تشکیل محکمه داخلی خانوادگی است. همان‌طور که قرآن کریم، برای از بین بردن اختلاف‌های زنان و شوهران دستور داده است داورانی از طرفین انتخاب شوند و آن دو با همفکری و هم‌رأی یکدیگر، به نزاع و درگیری پایان دهند: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء/۳۵)؛ روایات نیز تشکیل محکمه داخلی خانوادگی را که امتیازات و فواید خاص خودش را دارد مورد تأکید قرار داده که می‌توان در این باره به سیره حضرت علی (ع) استدلال کرد: «جاء رجل و امرأته بينهما شقاق إلى علی رضی الله عنه، مع کل واحد منهما فنام من الناس، فقال علی رضی الله عنه: ابعثوا حکما من أهله و حکما من أهلها، ثم قال للحکمین الحکمین: تدریان ما علیکم؟ علیکم ان رأیتما ان تجمعا ان تجمعا و ان رأیتما ان تفرقا ان تفرقا» (طبری، ۱۴۱۲: ۵/۴۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۷/۲)، همچنین عبیده سلمانی گفته است: مرد و زنی اختلاف و درگیری داشتند در حالکی هر یک را گروهی همراهی می‌کرد خدمت امیر المؤمنین علی (ع) رسیدند، امیر مؤمنان امر فرمودند که هر یک از آن دو حکمی از خانواده اش انتخاب کند و به آنان تفویض اختیار نمود که تکلیف آن دو را روشن کنند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۹).

در عین حال که حکمین از مقربین درگاه احدیت در فردای قیامت می‌باشند «طوبی للمصلحین بین الناس، اولئک هم المقربون يوم القيامة» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۹۳)؛ خوشا به سعادت اصلاح‌کنندگان بین مردم که آنان همان مقربان روز قیامت‌اند؛ در این دنیا نیز علاوه بر تعیین تکلیف زوجین، اطاعت و پیروی آنان از رأی و حکمشان نیز لازم و ضروری قرار داده شده است. عن ابی عبد الله (ع) فی قول الله تعالی: «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا قَالَ: الْحَكَمَانِ يَشْتَرِطَانِ إِنْ شَاءَا فَرَقَا وَ إِنْ شَاءَا جَمَعَا فَانْ جَمَعَا فَبَجَائِزُ» ((کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۷۰۰).

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که داور از خانواده مرد و داور از خانواده زن برانگیزید، فرمود: دو داور شرط می‌کنند که اگر خواستند جدا می‌کنند (طلاق می‌دهند) و اگر خواستند جمع می‌کنند پس اگر جمع کردند جایز است و اگر جدا کردند نیز جایز است.

درباره نقش محکمه داخلی می‌توان به این سخن طبری که از قرصی نقل کرده استناد نمود «علی (ع) همواره در مورد اختلافات خانوادگی داور را از خانواده مرد و داور را از خانواده زن برمی‌گزید. داور مرد به وی می‌گفت: ای فلانی از چه چیز شکوه داری؟ و او درد دل خویش را بر



می‌شمرد. داور می‌گفت: اگر به خواسته‌هایت برسی، آیا از خدا پروا خواهی داشت و به شیوه شایسته در انفاق و پوشاک و... با همسرت رفتار خواهی کرد؟ وقتی از او اقرار گرفت، داور زن می‌گوید: ای فلان از شوهرت از چه گله‌مندی؟ او خواسته‌هایش را برمی‌شمرد و داور همانند گفته همراهش را به او می‌گوید. اگر پذیرفت، بینشان جمع می‌کنند» طبری، ۱۴۱۲: ۴۷/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۵۷/۲).

اهمیت و نقش تشکیل محکمه داخلی تاندازه‌ای است که حضرت علی (ع) که خود جزء تمام خانواده‌های شیعیان و مؤمنان واقعی است اقدام به حل منازعات و درگیری‌های خانواده‌ها می‌کرد تا مابقی یاد بگیرند که در صورت بروز و ظهور حوادث اختلافات خانوادگی میانجیگری کنند و اختلافات و درگیری‌های که شعله ور شده است را خاموش کنند. به‌عنوان نمونه یک مورد از مواردی را که امام علی (ع) خود اقدام به حل منازعات و کشمکش‌های زوجین نموده و آن دو را آشتی داده است اشاره می‌گردد.

با توجه به سیره امام علی (ع) به‌عنوان خلیفه مسلمین و هادی و راهنما ملت و مملکت، اهمیت و ضرورت تشکیل محکمه داخلی و گره‌گشا بودن آن، مشخص گردید.

خانواده‌ها می‌توانند با تمسک به این سیره به‌عنوان یک‌راه کار عملی مفید جلوی ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی و طلاق را بگیرند و عموم مردم عزیز نیز این را باید به یاد داشته باشند که در برابر مشکلات خانوادگی دیگران مسئولیت و تکلیف دارند و از باب اصلاح کار مؤمن و عمل به نیکی و احسان رفتاری‌ها و درگیری‌های خانوادگی اقوام خود را با درایت و تدبیر حل و فصل کنند.

۵. خوش رفتاری

یکی از سفارش‌ها و تأکیدات آموزه‌های وحیانی خوش رفتاری و حسن خلق است؛ تا آنجا که در روایات، حسن خلق به‌عنوان سنگین‌ترین، بهترین و باارزش‌ترین چیزی بیان شده است که در روز قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد: «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۴۴۲/۸)، از این روایت حسن خلق یا همان رفتار نیکو و پسندیده با عموم مردم این‌چنین فضیلت و اهمیت دارد و اما در خصوص خانواده با پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ خَيْرَكُمْ خَيْرَكُمْ لِنِسَائِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰/۲۲۶)، کامل‌ترین مؤمنین از نظر ایمان کسی است که نیکوترین رفتار را دارد و در ادامه تأکید می‌کنند که بهترین شما کسی است که با برای خانواده‌اش بهترین باشد یعنی با خانواده رفتار صمیمانه و

شایسته داشته باشد. با این وجود از این روایت نورانی رسول خدا دانسته می‌شود: که بهترین بودن و یا حسن خلق داشتن منوط به این است که برای زنان بهترین باشند.

لذاست که پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایات دیگر می‌فرماید: «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۵۵۵)، بهترین شما آن‌هایی هستید که برای زنان خود بهترند و من بهترین شما هستم درباره‌ی همسران خودم.

هیچ تردیدی نیست که اولین خواسته زن حسن معاشرت شوهر با اوست؛ یعنی زبان خوش و رفتار خوب. این حداقل واسطه‌ای است که زنان در تعامل زناشویی و همسرمداری سخت‌بدان نیازمند هستند و اسلام نیز بدان اهتمام داشته و حتی حسن معاشرت مرد با زن را نشانه ایمان و تقوای او قرار داده است که چنانچه مرد با اهل خانه سوء رفتار داشته باشد، دچار عذاب الهی خواهد شد.

حقیقتاً محیط خانه و خانواده با خوش‌اخلاقی زوجین دوام پیدا می‌کند و اگر در محیط خانه خوش‌رفتاری نباشد این کانون گرم به محلی سرد و بی‌روح تبدیل خواهد شد. مرد و زن باید در خانه خوش‌رفتاری کنند. خوش‌رفتاری در خانه باعث استواری کانون خانواده می‌شود و بهترین زمینه برای تربیت کودکان است. علاوه بر آن، خوش‌رفتاری زن و مرد در خانه باعث آثار مطلوب در آخرت است. بنا بر برخی روایات کیفر بدرفتاری در خانه اثرش در همان در شب اول قبر نمایان می‌شود.

اما اینکه حسن خلق این‌قدر اهمیت داشته و به فرموده پیامبر (ص) «لَا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۳: ۲۵۵)، هیچ قرین و همدمی به اندازه حسن خلق، انسان را همراهی نمی‌کند و به حال او سودمند نیست. به خاطر این است که حُسْنُ خُلُقٍ در درون جان انسان است و هرگز او را تنها نمی‌گذارد. لازم به ذکر است که حسن خلق به معنای همیشه موافق با دیگران و در جهت باد حرکت کردن و گشاده رویی و خنده رو بودن و... نیست، گرچه آن‌ها نیز به موقع خود سودمند است. حسن خلق، گاهی دندان بر جگر گذاشتن و مشکل را تحمل کردن است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

غرض آنکه هیچ مرد مسلمانی که واقعاً ادعای ایمان دارد حق ندارد به همسر خود توهین کند و یا در بین جمع خانواده او را تحقیر کند. یقین بدانید نشانه ایمان مرد خوش‌رفتاری با زن است و زن خانه باید از روی عشق و علاقه، شوهرش را دوست بدارد، نه این‌که از باب ضرورت شوهر داشتن او را تحمل کند.



۶. گذشت و چشم پوشی

یکی از فضایل اخلاقی و رفتارهای ارزشی که در آموزه‌های دینی بسیار تأکید شده، عفو و گذشت از حقوق خود است که باید آن را در افراد خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه رشد و پرورش داد، دلیلش هم این است که گذشت کردن یکی از فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاق انسانی است که از سوی همگان به‌حکم سیره عقلایی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است خداوند در آیه ۱۷۸ از سوره بقره عفو و گذشت به‌ویژه در حال قدرت بر انتقام و مجازات را می‌ستاید و بر کسانی که در حال قدرت و توان از حق خویش می‌گذرند و با بزرگواری چشم بر مجازات می‌بندند آفرین می‌فرستد و آن را به‌عنوان امری معروف و هنجاری پسندیده و نیکو مورد تشویق قرار می‌دهد. به برخی از روایات که اهمیت و کارکردهای عفو، بخشش، گذشت، چشم‌پوشی و... ذکر شده است پرداخته می‌شود تا نقش و جایگاه عفو و گذشت در آموزه‌های دینی مشخص گردد.

در بیان اهمیت گذشت و چشم‌پوشی و خود را به‌غفلت زدن همین بس که امیرالمؤمنین آن را به‌عنوان شریف‌ترین اخلاق کریم یاد کرده و فرموده است: «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ [كثْرَةُ] تَعَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۳: ۴۵۱)، شریف‌ترین اخلاق انسان کریم کثرت و زیادی تغافل او از چیزی است که می‌داند.

از دیدگاه اسلامی گذشت از خطای دیگران به‌ویژه همسر نه‌تنها نقصان به‌حساب نمی‌آید بلکه عین درایت و پختگی مرد است امام علی (ع) در همین زمینه می‌فرماید: «لَا عَقْلَ كَالْتَجَاهُلِ * لَا حِلْمَ كَالْتَعَافُلِ» همان: ۵۳ و ۲۴۵)، هیچ عقلی مانند خود را به نادانی زدن نیست، هیچ حلمی مثل خود را به غفلت زدن نیست (ابن شریقه، ۱۳۷۶: ۵۳۱). لذا مشاهده می‌کنیم که اصل گذشت و بخشش نه‌تنها با عقاید و ارزش‌های شخص متضاد نیست بلکه گذشتی که در مسیر تعالی خانواده و خود شخص باشد گذشتی است که از روی تعقل و بزرگی است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد خشم و غضب و بگومگو کردن طولانی و بیجا، یک ویژگی غیرانسانی است که موجب از هم پاشیدن شیرازه زندگی، طلاق و جدائی و غرق شدن در منجلاب بسیاری از معاصی و گناهان است که قرآن کریم به‌شدت از آن نهی نموده و مؤمنان را فراخوانده تا خود و خانواده‌شان را از آن دور نگه‌دارند (تحریم/۶).

پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره رفتار مناسب پدر با همسر و رابطه آن با فرزندان فرموده‌اند: «از حقوق فرزند بر پدر خود آن است که مادر وی را احترام و اکرام نماید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴۹)، از آنجایی که از نظر فرزند مادر مظهر عطوفت و مهربانی و پدر مظهر اقتدار و حمایت است، هنگام مشاهده عطوفت و مهربانی و گذشت پدر، یک الگوی التقاطی از قدرت و گذشت در ذهنش پدید

می‌آید که در آینده می‌تواند تأثیر مثبت و مهمی در شخصیت فرزند داشته باشد؛ زیرا «چنین محیط‌های گرمی، بهشتی دنیوی برای فرزندان نیز خواهد بود و طعم شیرین زندگی را به آنان خواهد چشاند» (محدثی، ۱۳۸۰: ۱۲) و این امر به نوبه خود در تحکیم بنیان خانواده نیز حائز اهمیت است.

پیامبر ختمی مرتب حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «مُرُوْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ إِيْعَآءٌ مِّنْ حَرَمِنَا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۸)، عفو و اغماض از کسی است که به ما ظلم کرده و بذل و عطا است به کسی که ما را محروم ساخته. نیز می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَ عَفْوُهُ مَدَّ فِي عَمْرِهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۲ / ۳۵۹).

امیر بیان علی (ع) می‌فرماید: «شَيِّئَانِ لَا يُوزَنُ ثَوَابُهُمَا الْعَفْوُ وَ الْعَدْلُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۳: ۴۴۶) دو چیز است که (عظمت) ثواب آن‌ها قابل ارزیابی نیست: یکی عفو و اغماض و دیگری عدل و انصاف.

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «ثَلَاثٌ مِّنْ كُنْ فِيهِ كَانَ سَيِّدًا كَظَمَ الْغَيْظَ وَ الْعَفْوُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ الصَّلَاةُ بِالنَّفْسِ وَ الْمَالِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۱۷)، سه خصلت در هر کس باشد نشانه سروری و آقایی او است: فروبردن خشم خود در وقت غضب، عفو و اغماض از خطای دیگران و صلح ارحام با جان و مال.

بهترین نوع احسان مرد به همسر این است که اگر زن مرتکب خطا و لغزشی شد، مرد باگذشت و بزرگواری درصدد اصلاح او برآید. امام صادق (ع) در همین زمینه ضمن یادآوری مسئولیت مرد در قبال همسر می‌فرماید: «وَ إِنْ جَهِلَتْ غَفَرَ لَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۱۱)، اگر زن دچار جهل و خطا شد بر مرد است که باگذشت با او برخورد کند.

از منظر آموزه‌های روایی عفو و بخشش و گذشت زن در حق شوهر علاوه بر اینکه موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود، پاداش اخروی نیز به همراه دارد. در برخی روایات آمده است که عذاب قبر از سه دسته از زنان برداشته شده و آنان با حضرت فاطمه (س) محشور می‌شوند. یک دسته از آنان کسانی هستند که در برابر بداخلاقی شوهرانشان از خود صبر و گذشت نشان می‌دهند. در پایان این حدیث آمده است: «يُعْطَى اللَّهُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةٌ سَنَةٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۲۸۵)، یعنی خداوند به هر یک از این سه گروه از زنان به خاطر گذشت و بردباری ثواب هزار شهید را می‌دهد و برای هر یک از آنان ثواب یک سال عبادت در نامه عملشان نوشته می‌شود.



با این حال از روایات ذکر شده به دست می‌آید که اولاً عفو و گذشت موجب استحکام و پایداری خانواده می‌شود و ثانیاً اینکه گذشت و چشم‌پوشی طرفینی است یعنی هم زن و هم شوهر باید در خیلی از مسائل و امورات شخصی اگر کوتاهی از یکدیگر مشاهده می‌کنند با حلم و بردباری هم دیگر را بخشند.

۷. کنترل خشم

خشم که ریشه در حس صیانت نفس داشته و به عنوان یکی از هیجان‌های شدید و خطرناک، برای مقابله با عوامل تهدید و نابود سازی موانع موجود در محیط لازم و ضروری است (شکیباپور، ۱۳۶۹: ۱۲۵)، لکن با این وجود تعدیل و کنترل آن نیز برای بقا و ادامه زندگی حیاتی است. از آنجا که خشم یکی از صفات ویژگی‌های تعبیه شده در نهاد انسان است می‌توان گفت همیشه مذموم و بد نبوده بلکه در برخی از موارد می‌توان از او به خشم مقدس یاد کرد چون از نظر تکاملی نیرو را در جهت دفاع از خویش یا از اشخاص و اشیای که به آنها علاقه وجود دارد بسیج می‌کند که برآیند آن قدرت، استقامت، تحمل و بردباری و در نهایت نابودی خصم است (ر.ک: ریو، ۱۵: ۳۳۱).

در تعریف غضب گفته اند: «غضب یک حرکت و حالت نفسانی است که به واسطه آن جوشش و غلیان در خون قلب، برای انتقام حادث می‌شود. بنابراین وقتی این حرکت سخت شود، آتش غضب را فروزان کرده و شریان‌ها و دماغ از یک دود تاریک مضطربی پُر می‌گردد که به واسطه آن عقل منحرف شده و از ادراک و رویه باز خواهد ماند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

خشم علاوه بر اینکه در آیات متعدد (شوری/۳۷؛ آل عمران/۱۳۳-۱۳۴) تحت عنوان غضب و غیظ مورد تأکید قرار گرفته در روایات نیز عنایت ویژه‌ای به آن شده است که می‌توان با تمسک به آن فرمایشات نورانی، چیستی و ماهیت خشم، مصادیق خشم، انواع و آثار و پیامدهای آن را فهمید و در حیات فردی و اجتماعی خود از آن‌ها بهره گرفت.

اینکه آیا واقعاً خشم جز معایب انسان محسوب می‌گردد یا محاسن او می‌توان با تمسک به تجربیات بشر و دیدگاه‌های اندیشمندان دینی تصریح کرد که خشم یکی از نعمت‌های ویژه الهی است که در وجود انسان به و دیعه نهاده شده و بقا و ادامه حیاتش را در برابر ناملایمات طبیعت تضمین می‌کند. در قداست و اهمیت خشم همین بس که جهاد با دشمنان، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از جان و مال به یاری این غریزه ممکن می‌گردد البته در کنار این همه محاسن معایب او نیز در صورت طغیان واضح و روشن است.

امامان معصوم (ع) برای اینکه بشر بتواند از این شمشیر دولبه به خوبی استفاده کنند چگونگی تعدیل و کنترل و مهار آن را به تفصیل بیان نموده اند که در اینجا به برخی از آن بیانات گهربار در باره کنترل خشم که نقش محوری در جلوگیری از طلاق و جدایی دارد اشاره می‌گردد: نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «وَ أَحْزَمُ النَّاسِ أَكْظَمُهُمْ لِلْغَيْظِ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۳۹۴)، و استوارترین مردم کسی است که خشم خود را فرو برد؛ و نیز آن بزرگوار فرموده است: «مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ جُرْعَةً أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ كَظَمَهَا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ» (پابنده، ۱۳۸۵: ۶۹۷)؛ انسان هیچ جرعه‌ای ننوشید که نزد خدا از جرعه خشمی که برای رضای خدا فروخورد بهتر باشد. در روایت دیگر پیامبر گرامی اسلام (ص) خشم را به پاره از آتش تعبیر کرده و فرموده است: «أَلَا وَ إِنَّ الْغَضَبَ جَمْرَةٌ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ، أَمَا رَأَيْتُمْ إِلَى حَمْرَةٍ عَيْنِيهِ وَ انْتِفَاحِ أُوْدَاجِهِ؟! فَمَنْ أَحْسَبَ بَشِيءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلْيَلِصِقْ بِالْأَرْضِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۹: ۳/۶۱)؛ بدانید که خشم پاره آتشی در دل انسان است. مگر سرخی چشمان و رگ‌های برآمده‌ی گردنش را [هنگام خشم] ندیده‌اید؟! هر کس چنین احساسی پیدا کرد، روی زمین بنشیند.

حضرت علی می‌فرماید: «شِدَّةُ الْغَضَبِ تَغَيِّرُ الْمَنْطِقَ وَ تَقْطَعُ مَادَّةَ الْحُجَّةِ وَ تَفَرِّقُ الْفَهْمَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۸/۴۲۸)، خشم شدید مسیر گفتار را برگردانده و ریشه استدلال را قطع می‌کند و فکر را پریشان می‌نماید؛ نیز می‌فرماید: در روایت دیگر می‌فرماید: «أَقْوَى النَّاسِ مَنْ قَوَى عَلَى غَضَبِهِ بِحِلْمِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۳: ۲۸۵)، نیرومندترین مردم کسی است که با کمک حوصله‌اش بر خشمش فائق آید؛ همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «فَضْلُ الْحِلْمِ كَظْمُ الْغَيْظِ أَوْ مَلِكُ النَّفْسِ مَعَ الْقُدْرَةِ» (همان: ۲۸۶)، بهترین بردباری فروخوردن خشم است و یا در هنگام قدرت خویشنداری. از مجموع این روایات به دست می‌آید که غضب یکی از نعمت‌های الهی جهت حفظ و بقای انسان است که در صورت عدم کنترل مضراتی را در پی دارد. همچنین به دست می‌آید که کسانی که معتقد به مبدأ و معاد باشند و با توجه به آیات و روایات از آثار و پیامدهای غضب آگاه باشند هیچ‌گاه در مسائل شخصی خشمگین و عصبانی نمی‌گردند؛ زیرا فرد خشمگین و عصبانی به مدد ایمان راسخ و با جایگزینی اجر و پاداش دنیوی و اخروی که خداوند حکیم و عادل وعده حتمی داده، خشم خود را مهار می‌کند؛ زیرا آن‌ها باخدا معامله می‌کنند و به خاطر او می‌بخشند؛ بنابراین تمام تلاش خویش را مبذول می‌دارند که کاری انجام ندهد که بعداً پشیمان گردد. غرض آنکه اگر زوجین به این روایات نورانی توجه کنند و در مقام عمل ملتزم به آن باشند به راحتی می‌توانند خشم خود را که ریشه بسیاری از ناراحتی‌ها و کدورت‌ها در خانواده است کنترل کنند و از بروز و ظهور طلاق جلوگیری کنند.



۸. اظهار عشق و علاقه

نقش اظهار عشق و علاقه در استحکام روابط اجتماعی و خانوادگی بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا صفا زندگی به حاکمیت عشق و علاقه در اجتماع و خانواده است.

آنچه بیشتر به جنبه معاشرتی مربوط می‌شود، آشکار کردن محبت و علاقه به دیگران است. اگر کسی را دوست دارید، چه از دوستان و برادران ایمانی، یا نسبت به فرزندان و همسر و ... این محبت را بر زبان آورید و آن را ابراز کنید تا محبت‌ها افزوده شود و دوستی‌ها تداوم و استمرار یابد. محبوب دلها دیگران بودن آرزو و خواسته همگان است. درباره یکی از راه‌های پیوند و استحکام دوستی گفته اند باید دوستداران محبت خود را آشکار سازند تا محبوب هم به محبان علاقه مند گردد. یقیناً محبت دو جانبه موجب صفا و صمیمیت بیشتر زندگی می‌گردد. درباره اهمیت ابراز دوستی و علاقه و نقش آن در جلب محبت دیگران در دستورهای اخلاقی بابی را به این مبحث تحت عنوان باب استحباب «باب استحباب إخبار الأخ فی الله بحبه له و أن القلب یهدی إلی القلب» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۱ / ۱۸۱)، قرار داده اند. در روایات نیز تأکیدات زیادی نسبت به آشکار ساختن علاقه نسبت به دیگران شده است از آن جمله: امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتْبَتَ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲ / ۶۴۴)؛ هرگاه به کسی علاقه و محبت داشتی، او را از آن مطلب آگاه کن؛ زیرا که آن، دوستی بین شما را پا برجاستر می‌کند. همچنین پیامبر اکرم ص (ص) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَخَاهُ فَلْيُعْلِمْهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۵۵) وقتی یکی از شما همنشین یا برادر دینی‌اش را دوست بدارد، پس او را آگاه کند. در حدیث دیگری همین مضمون آمده، با این اضافه که «...فَإِنَّهُ أَصْلَحَ لِذَاتِ الْبَيْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۱ / ۱۸۲) این اعلام دوستی، برای اصلاح و آشتی میان افراد، شایسته‌تر و مفیدتر است. روایات ذکرشده درباره اهمیت ابراز علاقه به دیگران بود که دانسته شد که در سنت نبوی و علوی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است.

بنابراین اگر ابراز علاقه نسبت به دیگران سبب ایجاد الفت و صمیمیت می‌گردد به طریق اولی در خانواده این دوستی و محبت چند برابر خواهد شد. گاهی گفتن کلمه «دوستت دارم»، شعله محبت را فروزان می‌کند و به زندگی‌ها روح و نشاط می‌بخشد.

درباره اهمیت و نقش ابراز عشق و علاقه در این روایت نورانی ذیل که از پیامبر ختم مرتبت حضرت محمد (ص) نقل شده به زیبا قابل فهم و درک بوده و بشر امروزه نیز به این نتیجه رسیده است. «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» اینکه مرد، به همسر خود بگوید: «تو را دوست دارم»، هرگز از دل همسر بیرون نمی‌رود!

شگفتا که یک جمله کوتاه و ساده، ولی یک دنیا تأثیر و عشق آفرینی! و چقدر بخیال‌اند آنان که از گفتن چنین واژه‌های محبت آوری نسبت به همسر و فرزندان و دوستان و بستگان خویش، مضایقه دارند و از عواقب و پیامدهای نیکو و آثار سازنده آن غافل‌اند.

برخی از متدینین تصور می‌کنند که عشق و علاقه به همسر با ایمان و تقوا منافات داشته و توجه به همسر باعث دل‌بستگی انسان به دنیا و دوری از معنویات خواهد شد. در صورتی که کلام گهربار امام صادق (ع) کاملاً مغایر با چنین تصور و تفکری است و ایشان در این زمینه فرمودند: «كُلُّ مَنْ اَشْتَدَّ لَنَا حُبًّا اَشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا وَ لِلْحُلُوءِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۲۴)، هر کس ما را بیشتر دوست بدارد، زنان (همسرش) را نیز بیشتر دوست خواهد داشت. همچنین ایشان عشق و محبت به زنان را از اخلاق پیامبران (ع) دانسته‌اند: «مِنْ اَخْلَاقِ الْاَنْبِيَاءِ ع حُبُّ النِّسَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰ / ۲۳۶)، از اخلاق پیامبران، دوست داشتن زنان است؛ و در حدیث دیگری از ایشان آمده است که فرمودند: «الْعَبْدُ كُلَّمَا اَزْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا اَزْدَادَ فِي الْاِيْمَانِ فَضْلًا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۲۴)، هر اندازه بر ایمان بنده افزوده شود، محبتش به زنانه (همسرش) افزون‌تر می‌شود. البته این عشق و علاقه متضمن حقوق و مسئولیت‌هایی برای مرد و زن نسبت به یکدیگر می‌باشد، که هر یک موظف به رعایت آن نسبت به همسر خویش می‌باشد.

اگرچه خداوند به عشق و علاقه بین زن و شوهر بسیار اهمیت داده و آن را در آیات متعددی مورد تأکید قرار می‌دهد، اما باید این علاقه و عاطفه در محدوده و چارچوب مشخصی هدایت گردد و نباید بر محبت به ذات خداوندی غالب گردد. عشق و عاطفه نسبت به همسر و سایر دوستان و اعضای خانواده نباید مانند سایر امور دنیوی جای عشق الهی را در قلب و وجود انسان اشغال نماید.

لازم به ذکر است که ابراز دوستی و محبت، تنها به گفتن و لفظ نیست. گاهی احترام کردن، بوسیدن، نوازش کردن، هدیه و سوغات خریدن و این‌گونه حرکات، نشانه عشق و دوستی است. نتیجه‌ای که از این روایات مبارکه گرفته می‌شود این است که یکی از عوامل مهم که می‌تواند مانع اتفاق ناخوشایند طلاق گردد مسئله ابراز عشق و علاقه به همسر است. زن و شوهر باید سعی کنند به مناسبت‌های گوناگون با رفتار و گفتار و کردار خودشان به یکدیگر نشان دهند و بفهمانند که به همدیگر علاقه‌مند هستند و همدیگر را دوست دارند، متأسفانه هستند همسران که نمی‌توانند احساسات خودشان را به طرف مقابل منتقل کنند و این در درازمدت موجب کدورت و اختلاف بینشان می‌گردد. زوجین نباید فراموش کنند که معاشرت گرم و محبت‌آمیز با یکدیگر هنری است که در ایجاد شادابی و صفا کیمیایی می‌کند.



۹. حفظ حقوق همسر

از منظر آموزه‌های وحیانی با اجرای صیغه عقد، خانواده‌ای تأسیس و ایجاد می‌گردد و در واقع سلول تازه‌ای در پیکر جامعه می‌روید، در اینکه در تعالیم دینی زن و مرد در گوهر انسانی و روح ملکوتی همتا و همسان بوده و سهم هریک از حقیقت آدمیت به یک اندازه است، تردیدی وجود ندارد ولی باید پذیرفت که مدبر نظام خلقت این گوهر ملکوتی را در دو صدف زمینی با پیکره‌های متفاوت و ساختی ممتاز و البته نیازمند به یکدیگر قرار داده است. با توجه به تفاوت‌های طبیعی و این جهانی زن و مرد خداوند متعال حسب اقتضای هر یک از آن‌ها حقوقی را برای آنان در نظر گرفته است که با رعایت و حفظ آن حقوق بتوانند مکمل همدیگر در تشکیل خانواده و اداره آن باشند.

حفظ حقوق همسر از جمله موضوعات است که در آیات و روایات مورد تأکید فراوان قرار گرفته است و شاید حکمتش هم این باشد که با شناخت و رعایت آن‌ها دیگر شاهد فروپاشی و مضمحل شدن خانواده‌ها نخواهیم بود. از آنجاکه این موضوع در فصل سوم این تحقیق مباحث قرآنی آن مطرح گردیده است در این فصل مباحث روایی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس روایات زن و شوهر حقوقی نسبت به یکدیگر دارند که حفظ و حراست از آن‌ها محبت و همدلی را به ارمغان می‌آورد.

یکی از حقوق زن بر مرد این است که از فاش کردن اسرار و بازگو کردن عیوب او خودداری کند؛ چراکه مرد، امین و مدافع و حامی زن است؛ و از مهم‌ترین این اسرار، اسرار زناشویی است، لذا پیامبر گرامی اسلام (ص) از افشای این اسرار نهی فرموده‌اند، به دلیل حدیث اسماء بنت یزید که گفت: نزد رسول الله بودم، گروهی از مردان و زنان کنار او نشسته بودند که فرمود: «شاید بعضی از مردان و زنان اسرار زناشویی خود را بازگو کنند؟ مردم ساکت شدند، گفتم: بله به خدا قسم، ای رسول خدا! زنان و مردان این کار را می‌کنند، پیامبر (ص) فرمود: این کار را نکنید، چون این کار مانند کار شیطانی نر است که شیطانی ماده را در راه می‌بیند و درحالی که مردم به آن‌ها نگاه می‌کنند، با او آمیزش می‌کند» (ابن حنبل، ۱۴۱۹: ۶/۴۵۶).

از امام سجاد (ع) نقل شده است که می‌فرماید: «حقّ زن این است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی این نعمتی است که خداوند به تو داده؛ پس باید او را گرامی داری و با وی نرمی کنی» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۲۶۱).

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَسُدَّ جَوْعَتَهَا وَ أَنْ يَسْتُرَ عَوْرَتَهَا وَ لَا يُفِيحَ لَهَا وَجْهًا...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰/۲۵۴)، حقّ زن به شوهرش این است که شکمش را سیر کند

و بدنش را بیوشاند و برای او هیچگاه روی درهم نکشد. در حدیث دیگر پیامبر گرامی اسلام (ص) حفظ مال و نفس را موجب کمال و برتری زن دانسته و می‌فرماید: «خیر النساء التي إذا نظرت إليها سرتك و إذا أمرتها أطاعتك و إذا غبت عنها حفظتك في مالک و نفسها...» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/ ۲۴)، از این روایت نورانی اهمیت حفظ مال و نفس در غیاب شوهر به زیبایی ترسیم شده است؛ و نیز می‌فرماید: «و المرأة راعية في بيت زوجها ومسئولة عن رعيتها» (بخاری، ۱۴۰۷: ۳/ ۴۹۷)، و زن در خانه شوهرش نگهدار و در برابر زبردستانش مسئول است. از مجموع این روایات و روایت مشابه فهمیده می‌شود که یکی از حقوق دیگر شوهر بر همسرش این است که ناموس او را حفظ و از شرف خود مواظبت کند و از مال و فرزندان و دیگر شئون منزل همسرش پاسداری نماید.

۱۰- پرهیز از ازدواج اجباری

یکی دیگر از راهکارهای که روایات تأکید می‌کنند مسئله پرهیز از ازدواج اجباری است. قرآن کریم، ازدواج را با تعبیر: «مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء/۲۱)، یعنی، پیمان محکم و استوار یاد کرده که علاوه بر قداست آن، برای تحقق این پیمان، به کارگیری مطالعه و دقت فراوان هم لازم است. چنان که حفظ این پیمان نیز مراقبت و هوشیاری زیادی می‌طلبد. حفظ پیمان ازدواج درگرو این است که به امر ازدواج با اختیار و میل طرفین صورت گرفته باشد اما اگر یکی از طرفین به اجبار تن به ازدواج دهد این امر سبب شکل‌گیری زمینه طلاق می‌شود. لذا جای دارد والدین و سرپرست‌ها به این امر توجه ویژه‌ای بنمایند.

پیامبر (ص) نیز، در مورد ازدواج حضرت فاطمه (س) با وجود که خواستگاران متعددی داشت، به خاطر عدم سنخیت و تناسب فکری و ایمانی، این پیمان را استوار نمی‌یافت و در پی آن اشکالاتی احساس می‌کرد، بدین‌جهت در مرحله‌ی اول، دستور آن را آسمانی و الهی اعلام کرد و با ازدواج فاطمه (س) با آنان موافقت نکرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۳۲۸). اما به هنگام خواستگاری علی (ع) برای ارزش نهادن به کرامت انسانی زن و آزادی در انتخاب همسر و نیز الگودهی به دیگران، خطاب به فاطمه (س) فرمود: نظر تو در ارتباط با ازدواج با علی (ع) چیست؟ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳/ ۹۳)، پس از این مراحل، ازدواج فاطمه (س) با علی (ع) با کمال سادگی و نهایت دقت انباشته از ایمان و صمیمیت برقرار گردید تا همان‌طور که قرآن کریم فلسفه‌ی آن را «برقراری مودت و رحمت» (روم/۲۱)، بیان داشته، این فلسفه تحقق عملی یابد و دیگران نیز این شیوه‌ی زیبا و سرنوشت‌ساز را معیار زندگی عاقلانه و شرافتمندانه و سعادت‌مندانانه قرار دهند و این معنا، در سراسر زندگی فاطمه (س) و علی (ع) در همه‌ی ابعاد، نمایش چشمگیری داشت. با توجه به آیه شریفه

که در بالا ذکر شد و سیره پیامبر گرامی اسلام به دست می‌آید که برای داشتن یک زندگی موفق، در ابتدا رضایت زوجین از ازدواج با یکدیگر و عدم اجبار به ازدواج است که در غیر این صورت موجب ناسازگاری طرفین شده و به طلاق می‌انجامد.

نتیجه

بر پایه گزارش‌های روایات معصومین (ع) دانسته شد که زوجین می‌توانند با مراجعه به احادیث پیامبر (ص) و اهل‌بیت، آن‌ها را فراگیرند و بر مبنای راهنمای‌های آن بزرگواران زندگی خویش را پایه‌ریزی و اداره کنند. همچنین مشخص شد که عمده مشکلات که امروزه موجب گسست و انحطاط خانواده می‌شود ریشه در عدم اطلاع و آگاهی زوجین از این معارف ناب داشته است؛ و نیز روشن شد که اگر زمامداران، حاکمان و عالمان دینی می‌خواهند جلوی افزایش طلاق را در جامعه اسلامی بگیرند و مردم را از این خطر خانمان‌سوز که روز به‌روز در حال توسعه و گسترش است نجات دهند؛ باید سطح اطلاعات دینی مردم را افزایش داده و منابع لازم دینی را در اختیار آنان قرار دهند؛ و نیز به آنان بی‌آموزند که زندگی زناشویی تنها یک امر فطری نیست؛ بلکه یک دستور الهی نیز است که از قداست بسیار بالایی برخوردار می‌باشد و رشد و تعالی و بقاء نسل بشر تنها از این طریق میسر می‌گردد. بنابراین اجازه ندارند با اندک‌ترین ناراحتی و کدورت طلاق را به‌عنوان بهترین گزینه راه حل انتخاب نمایند از این رو پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل‌بیت (ع) آن بزرگوار راهکارهای زیادی جهت جلوگیری از این پدیده خطرناک و خانمان‌سوز «طلاق» ارائه نموده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: توجه به مسائل معنوی و دینی، دقت در انتخاب همسر، انجام مذاکرات جهت رفع اختلافات و سوء تفاهات، تشکیل محکمه داخلی خانوادگی، خوش‌رفتاری، گذشت، کنترل خشم، اظهار عشق و علاقه، حفظ حقوق همسر و پرهیز از ازدواج اجباری. همچنین مشخص گردید که اگر راهکارهای ذکرشده را جوانان یاد گیرند و در مقام عمل عامل باشند جوامع اسلامی دیگر شاهد این همه فروپاشی و جدایی مضمحل‌کننده خانواده‌ها نخواهد بود.

منابع

- القرآن الکریم، (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۱. ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن (ابن العربی)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ترجمه حسن زاده، تهران، ارمغان طوبی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
 ۳. _____، من لا یحضره الفقیه، محقق، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
 ۴. ابن حنبل، احمد، مسند أحمد بن حنبل، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م.
 ۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ - ۱۳۶۳ ق.
 ۶. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
 ۷. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
 ۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
 ۹. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، صحیح بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ م.
 ۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، اصفهان، خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵ هـ ش.
 ۱۱. _____، جامعه در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۲. _____، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ، محقق، مصحح: مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
 ۱۴. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
 ۱۵. دیماتو، رابین، روانشناسی سلامت، مترجم، مهدی موسوی اصل - محمدرضا سالاری فر، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ش.



۱۶. ریو، مارشال، انگیزش و هیجان، مترجم، یحیی سیدمحمدی، ویرایش (روان - ارسباران)، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ یازدهم، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. شارع پور، محمود، جامعه‌شناسی شهری، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۲۰. شجاعی، محمد صادق، توکل به خدا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. شکیبا پور، عنیات الله، دائرة المعارف بین المللی روان پزشکی، روان‌شناسی و روان تحلیلگری، تهران، فروغی، ۱۳۶۹ ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق - ۱۳۷۰ ش.
۲۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، محقق، مصحح: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه)، محقق و مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. متقی، هندی، کنز العمال، به تحقیق الشیخ بکری حیانی، الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ هـ ق.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۲۹. محدثی، جواد، آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده، قم، بقیه‌الله، ۱۳۸۰ ش.
۳۰. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، نشر علوم اسلامی - چاپ اول ۱۳۶۵ ش.
۳۱. مفید، محمد بن نعمان، الإختصاص، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم، المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۳۲. مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۳۳. میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
۳۴. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۳۵. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم، اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۹۲ ش.
۳۶. نراقی، مهدی، جامع السعادات، نجف اشرف، جامعه النجف الدینی، ۱۳۸۳ ق.
۳۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق، مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۸. نیک، سکینه، حقوق زن و شوهر در اسلام، تهران، مرکز نشر طلیعه - چاپ اول ۱۳۷۵ ش.